

# قلعه شمیران

چهارراه بوده و چهار دروازه داشته است ، چنانچه ملاحظه شود هویدا است که در هر جای اوستا از فریدون اسم برده شده از سرزمین ورن در گیلان نیز نامی بمیان آمده است .

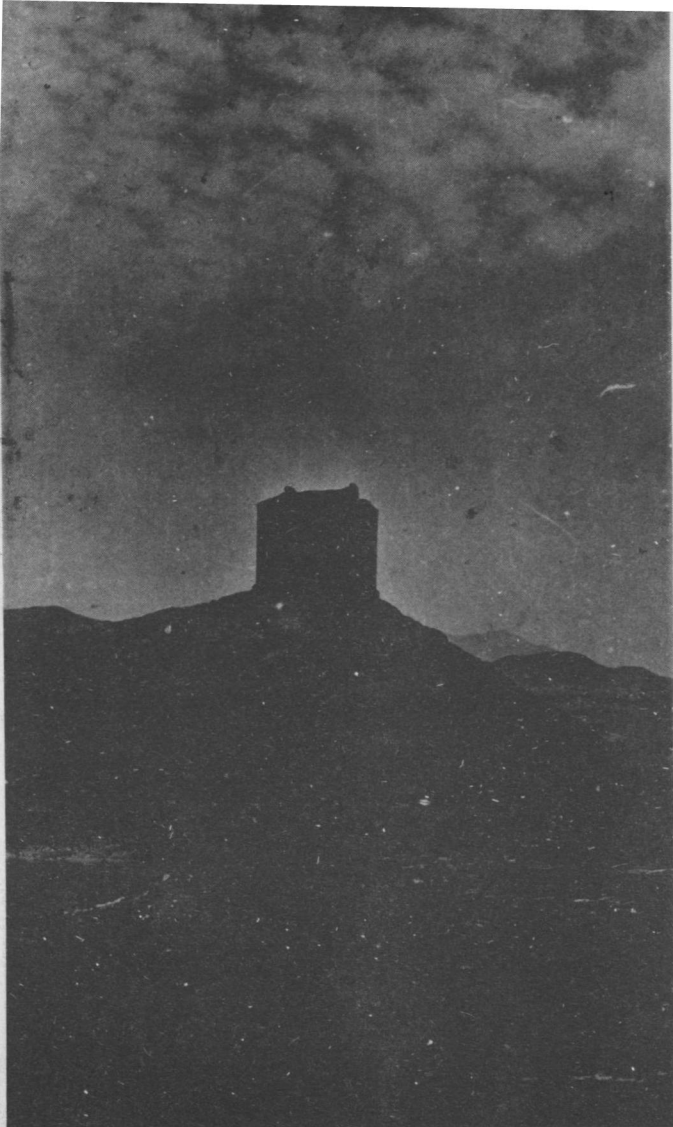
در پاره ۳۳ آیان یست گفته : از برای او ( ناهید ) فریدون پسر آبیتن از خاندان توانا و قادر خاک چهار گوش ورن صد اسب و هزار گاو و ده هزار گوسفند نیاز نمود و طلب کرد که به اژدهاک یعنی ( ضحاک ) چیره گردد .

قلعه شمیران یا " سمیران " و مجموعه بناهای آن حدوداً در ۷ کیلومتری غرب منجیل در منطقه طارمات ( طارم علیا ) در کنار رودخانه قزل اوزن قرار دارد ، این مجموعه از ابنیه تاریخی ایران ، که زمانی دژ شهری عظیم و وسیع بوده است از معدود مجموعه‌های ابنیه‌ای ایران بشمار میرود .

دژ سمیران مربوط به کنگریان از سلسله آل بویه بوده و حدود هزار سال از قدمت بناهای آن میگذرد و ناصر خسرو قبادیانی و بسیاری از سیاحان از این شهر بزرگ دیدن کرده‌اند و در سفر نامه خویش به توصیف آن پرداخته‌اند که در جای خود خواهد آمد .

سرزمین گیلان را در کتاب اوستا ( ورن ) نامیده‌اند و در موارد متعدد از کتاب دینی ایرانیان از آن سرزمین یادآوری شده مثل " آیان یست " و در وسب یشت و " ارت یشت " و " زامیار یشت " در " فرکرد و ندیداد " فریدون پادشاه داستانی که او را در اوستا (تهرتئون) پسر ( اتهویه ) که او را آبتین گویند گیلانی و از خاک ورن میباشد . در " فرکرد و ندیداد " که از سودمندترین فصول آویستا است از شانزدهمین سرزمین ایرانی و ایران اسم برده است :

یکی از آنها ( ایران ویج ) یعنی خوارزم و یکی ( سغد ) یعنی بلخ و گرگان و نساء و قندهار و یکی ( هلمند ) یعنی ری و یکی دیگر ( ورن ) است که گوید : چهارمین جاها و سرزمینهای که من اهورمزدا بهترین بیافریدم ( ورن ) است آنجا فریدون زائیده شده و براندازنده اژدهاک ( ضحاک ) میباشد در آنجا اهریمن پرگزند به تپیارکی دشتان و کشور خدای غیر ایرانی پدید آورد و در تفسیر پهلوی همین فقره از و ندیداد که در روزگار ساسانیان نوشته شد ( ورن ) یعنی گیلان از پیشخوار گردیلم گیلان دانسته و آن را ورن چهار گوشه نیز خوانده است ، بجهت آنکه ورن و گیلان دارای



یکی از مقابر با فاصله ۲۰۰ متری

آن قلعه هستند تا ، کسی ، بیراهی و سرکشی نتواند کرد و گفتند آن امیر را قلعه های بسیار در ولایت دیلم باشد و عدل و ایمنی تمام باشد چنانکه در ولایت او کسی نتواند که از کسی چیزی ستاند و مردمان که در ولایت وی بمسجد آدینه روند همه کفشها را بیرون مسجد بگذارند و هیچ کس کفش آن کسان رانبرد و این امیر نام خود را بر کاغذ چنین نویسد که مرزبل الدیلم خلیل جیلان ابو صالح مولی امیرالمومنین و نامش جستان ابراهیم است .»

از مختصر گفته ناصر خسرو میتوان به بزرگی شهر و اهمیت آن پی برد و بواقع پس از گذشت قرون متمادی باز دید

قلعه شمیران یا سمیران به فتح " شین " یا " سین " از قلاع پر اهمیت و معتبر ایران است که نمونه آن را در کمتر جایی میتوان دید . وجه تسمیه این قلعه شاید بخاطر قرار گرفتن آن در مکانی رفیع باشد توضیح اینکه کلمه " شم " بمعنای رفیع و " شمیران " بمعنای جای رفیع و بلند است . متاسفانه قلعه شمیران و بناهای دیگر آن بعلت موقعیت کنونی متروک و تقریباً " مرده " است و در حقیقت جزء بناهای منفرد و بدون استفاده است و هیچگونه عملکردی ندارد . بجز بقعه های کوچک در نزدیکی آن که اهالی روستاهای اطراف برای زیارت بانجا روی میاورند این بقعه کوچک ظاهراً " (مربوط بدوران تیموری است و خطوط ثلث با رنگ لاجوردی در متن طغاری آن که " دور تا دور " پا طاق گنبد بکار رفته است با نمونه های مشابه آن در بناهای تیموری کاملاً " قابل مقایسه میباشد .

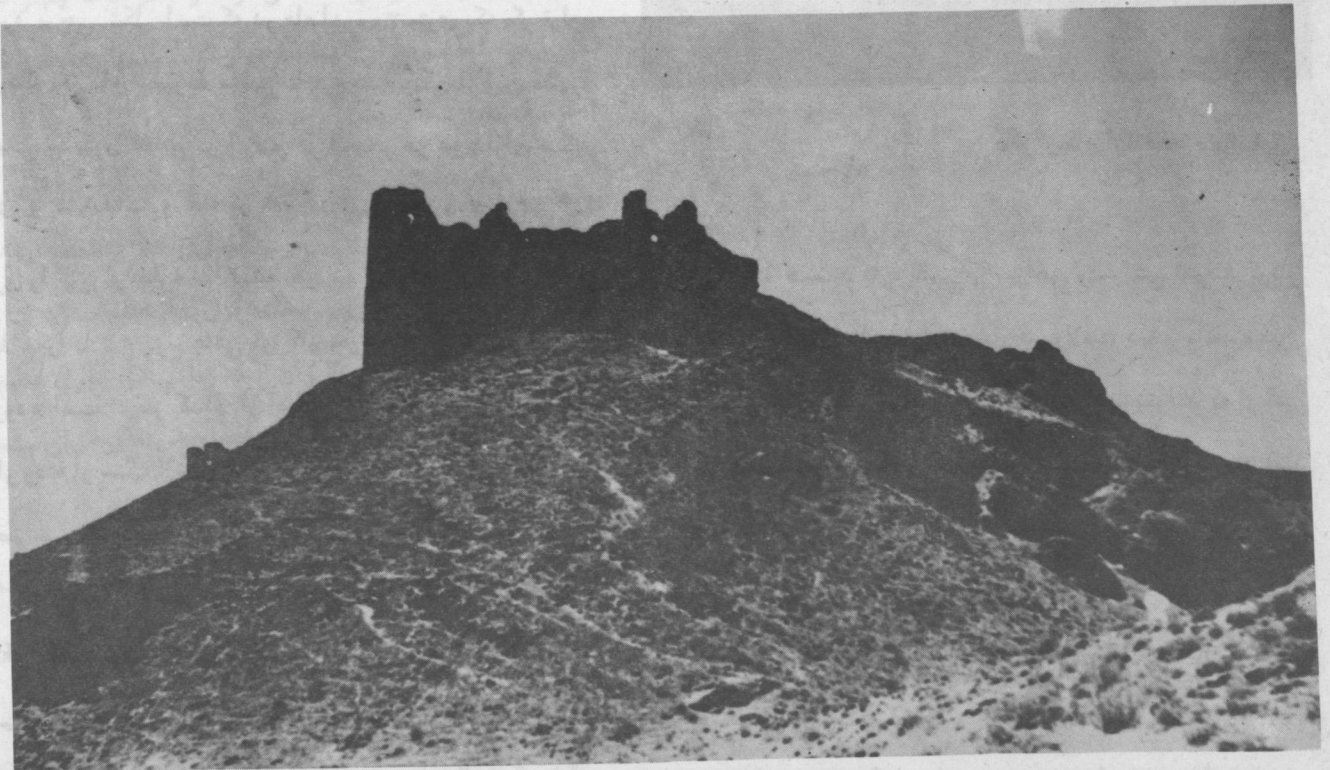
بجز امامزاده مذکور آنچه جلب توجه میکند وجود دو مقبره برجی شکل است که در فاصله ۳۰۰ متری یکدیگر قرار دارد که تقریباً " بصورت مشابه ساخته شده و یکی از این مقابر نسبت بدیگری عظیم تر و رفیع تر است و هر دو دارای سبک رازی و مشخصات و عناصر معماری قرن سوم و چهارم هجری قمری را در بر دارد . نقشه هر دو ۸ ضلعی و محل تقاطع اضلاع را با نیم برج هائی کور کار نموده اند که بر زیبایی آن افزوده است . هر کدام از اضلاع دو طاقما دارد و مصالح بکار رفته از سنگ لاشه و ملات ساروج میباشد . ناصر خسرو در مورد شهر شمیران چنین میگوید :

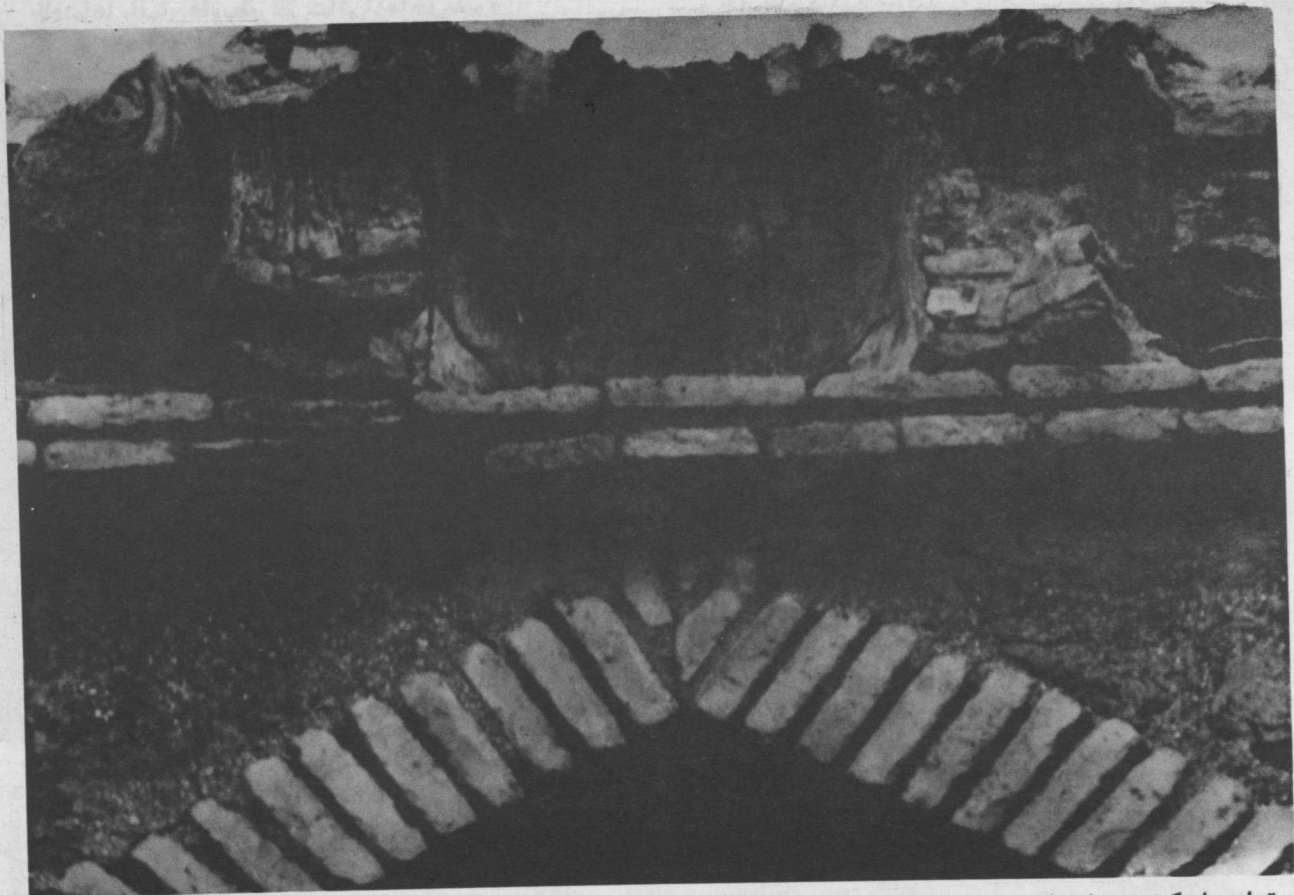
«از خندان تا شمیران سه فرسنگ بیابانکیست همه سنگلاخ و آن قصبه ولایت طارم است و بکنار شهر قلعه ای بلند بنیادش بر سنگ خاره نهاده است سه دیوار در گرد او کشیده بکاریزی بمیان قلعه فرو بریده تا کنار رودخانه که از آنجا آب بر آورند و به قلعه برند و هزار مرد از مهتر زادگان ولایت در

از این قلعه و مجموعه آن هر بیننده را بخاطر اینهمه هنر و معماری ارزنده اش به حیرت و تعجب وا میدارد .

کاربرد لاشه سنگ بصورت گوناگون و اریب که در فواصل معین آن الوارهای ، تراشیده یکپارچه و مستحکم قرار گرفته ، قابل توجه است ، بعلاوه معماری حساب شده و دقیق آن آنچنان بوده که پس از قرن ها هنوز بسیاری از الوارهای آن البته ، در جبهه شمالی آن قابل دسترسی و تعدی و تجاوز نبوده همچنان سالم بی اغراق بصورت اولیه خود باقیمانده و یک هماهنگی جالب و قابل تعمق را بین سنگ ، عنصری سخت و شکننده و چوب ، عنصری نرم و انعطاف پذیر ایجاد کرده است و در حقیقت میتوان گفت که بکار بستن چوب در فواصل معین حتی در زوایا و انحنای برجها و ایجاد کلاف

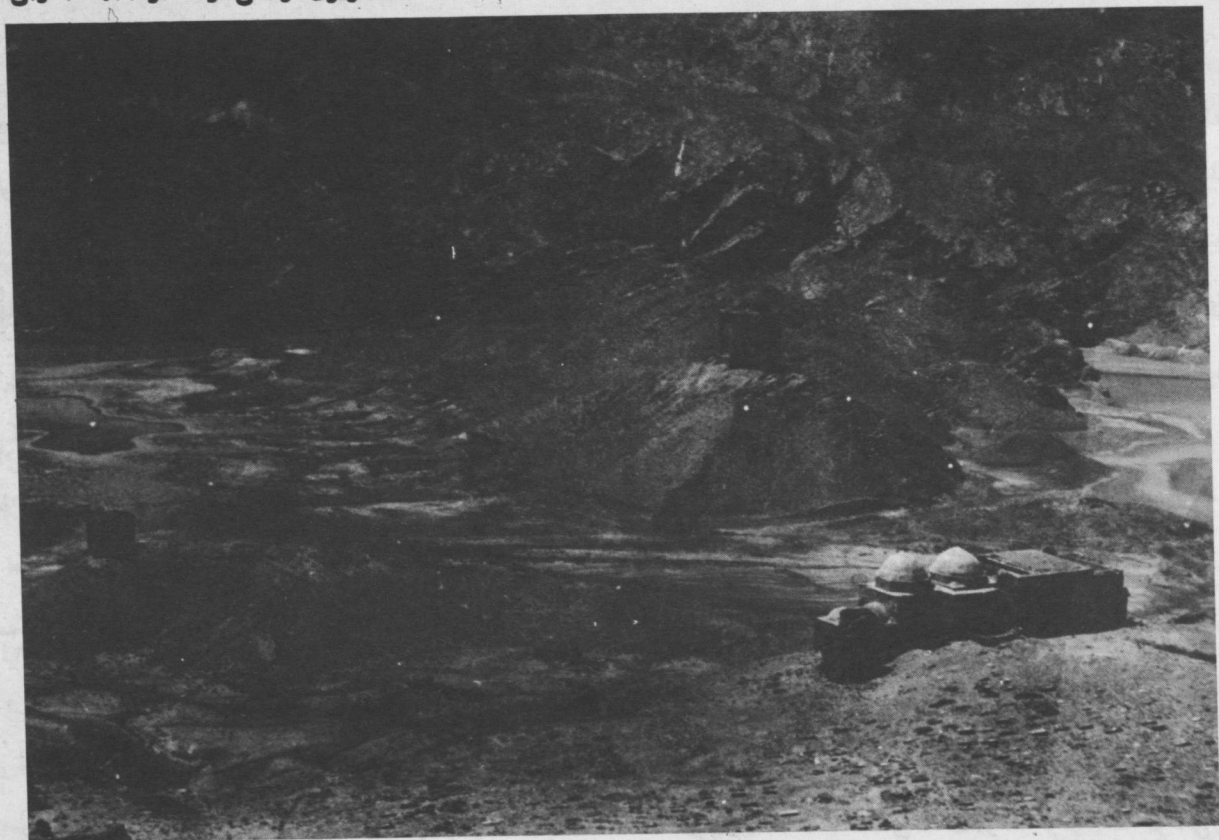
تصویر قلعه از جبهه شمالی

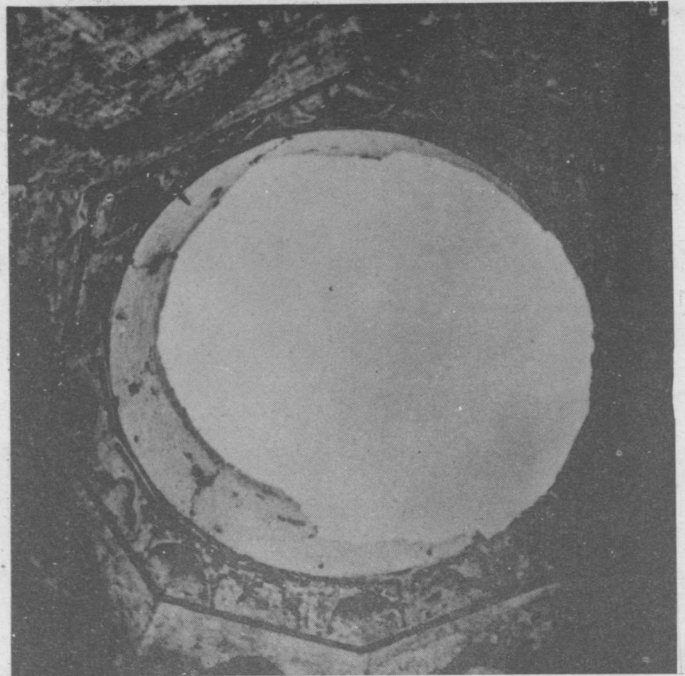




مقداری از گچبری باقیمانده در یکی از دو مقبره

تصویری از یکی از مقابر جبهه جنوبی





چوبی چنان استحکامی را به بنا داده است که اگر عامل انسانی در تخریب آن نبود این مجموعه عظیم باستانی که نشانی از فرهنگ فنی گذشته ماست به چنین وضعی در نمی آمد . متأسفانه همان طور که ذکر آن رفت بعلت نامساعد بودن منطقه از نظر جغرافیائی و از طرفی بی توجهی و عدم شناخت اهالی ، که در مجموع میتواند یکی از مخرب ترین عوامل نابود کننده آثار تاریخی بحساب آید ، قلعه مذکور را بصورت کنونی خود در آورده است و در حال حاضر بجز جبهه شمالی قلعه بقیه قسمتها از بین رفته و فقط آثاری از آن باقیست .

در کتاب جغرافیای گیلان نوشته م . م . لاهیجانی چنین آمده .

«در چهار فرسنگی رودبار خرابه های تختگاه کنگریان که شرح حال آنانرا در کتاب علیحده داده ایم و آنان از ملوک دیالمه گیلان بوده اند واقع شده و این همان قلعه شمیران و قلعه و دژ معروف " بشم ایران " است که در تاریخ گیلان اسمی از آن بوده و آن واقع در طارم است و در عصر سلطان علی میرزا بن امیر کیا الحسینی بدست گماشتگان وی این قلعه

و دژ فتح گردید و رئیس آن در این تاریخ قبل از سنه ۷۸۷ یا ۷۹۹ هجری بوده بنابراین اختلاف تواریخ قباد نامی بود که بعد از جنگ زیاد قباد امان طلبیده سید علی کیا مذکور تاج الدین محمود برفجانی را بریاست آن قلعه تعیین کردو تا هفت سال مملکت طارم در دست نوکران سید مذکور بوده است . ابوعلی حسن بن احمد کنگری در نامه ای که بصاحب بن عباد وزیر معروف نوشته گوید : خاندان کنگریان در میان دیلیمان بلند پایه مقام شامخی داشته اند ، تا آنکه دژ سمیران را که پایتخت کنگریان است تصرف کردند و از بلندی همت خویش بواسطه همین دژ مذکور طارم را تصاحب کردند و کارشان بجائی رسید که از جستان و هسودان دیلمی پادشاه دیلم زن خواستند و جستان با آنکه چهل سال پادشاهی نموده بود چون دید دژ سمیران خواهر الموت است ناگزیر شد تن زیر بار این پیوند و خویشی داد »

ناصر خسرو گوید : از خندان طارم تا آنجا یعنی دژ سمیران سه فرسنگ راه است این تختگاه کنگریان الان جز خرابه بیش نیست و اطرافشان را کوههای عریان و سنگلاخهائی احاطه کرده است و فاقد آب و آبادی است . این خرابه پایتخت شاهان دیالمه بوده و در عصر خویش اهمیت بسیاری داشته و دانشمندان بسیاری از آنجا عبور نموده اند و توصیفش کرده اند ، چنانچه سیاح تازی مسعود بن مهلهل در توصیف آن قلعه مینویسد : دژ پادشاه دیلم که به شمیران معروف است آنچه از خانها و کوشکها دیدم در تختگاه هیچ پادشاهی ندیدم ، در این دژ دو هزارو سیصد و پنجاه و اند خانه بزرگ و کوچک است .

عالم بزرگوار ، ناصر خسرو علوی نیز چندی بعنوان سیاحت در این دژ توقف داشته و در سفر نامه خود شرحی مفید ذکر داشته است و نیز طایفه شاهنشاهی معروف بملوک دیالمه و ییال بویه و دیگر از امراء پادشاهان دست یافتن بر آن دژ را اهمیت خاصی قائل بودند و از نامه ابوعلی حسینی



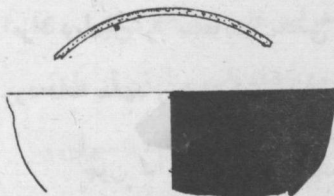
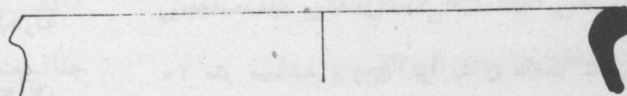
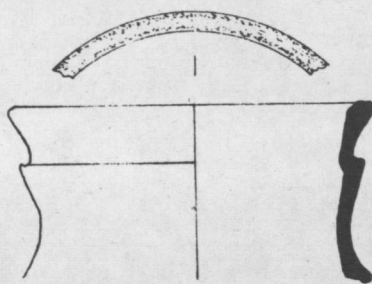
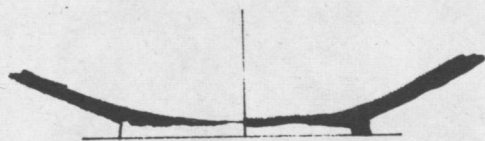
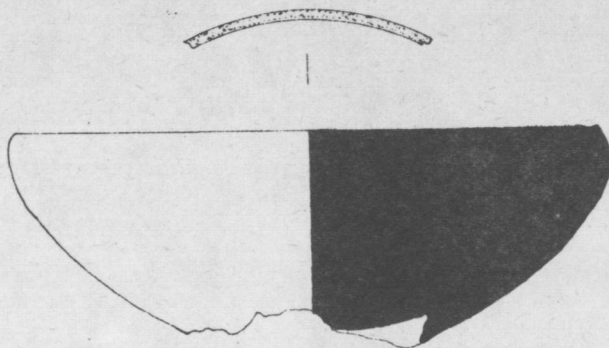
منظره کلی یکی از دو مقبره

رودخانه سفید رود تل سنگی است که این سنگ لا اقل با ارتفاع ۲۰ متر میباشد و روی آنرا بنای مکعب شکلی با اصطلاح سر بفلک کشیده است و اکنون هم قسمت مهم آن بنا پا برجاست ظاهرا "این همان مناره ایست که در زمان امیر تیمور یک نفر از امراء دیلمان را بسعایت بعضی از امرا گیلان از این جا به رودخانه سفید رود پرت نموده و هلاکش ساختند .

چون داخل محوطه شوی، روی یک صخره عظیمی از سنگ خارا در قسمت جنوبی این محوطه بناء عظیمی با سنگ و آجر و خشت پا برجاست و محیط آن بنا شاید پیش از پانصد متر باشد و از شاهکارهای صنعتی است و دیوارهای قطور آن

پسراحمد که از کنگریان است و فرمانده سپاه اعزامی فخرالدوله تیموری آل بویه که از بزرگ شاهنشاهان بوده برای تسخیر این دژ صاحب بن عباد صدر اعظم معروف و معاون آل بویه بنویسد: دژ سمیران دژ نیست کشور است ، و کشور نیست شوره است اهمیت این دژ معلوم است ، اگر بنا باشد مفصل استان و عجائب و غرائب آن نگاشته شود خود مسئله ای مستقل است که از حوصله بیرون است .

لجمله بالای این دژ فعلا " موسوم به امامزاده قاسم در چهار سنگی رودبار و در نزد عوام بقعه کبری معروف و جزء طارم فلی میباشد قبل از ورود بداخل این محوطه و قلعه آن طرف



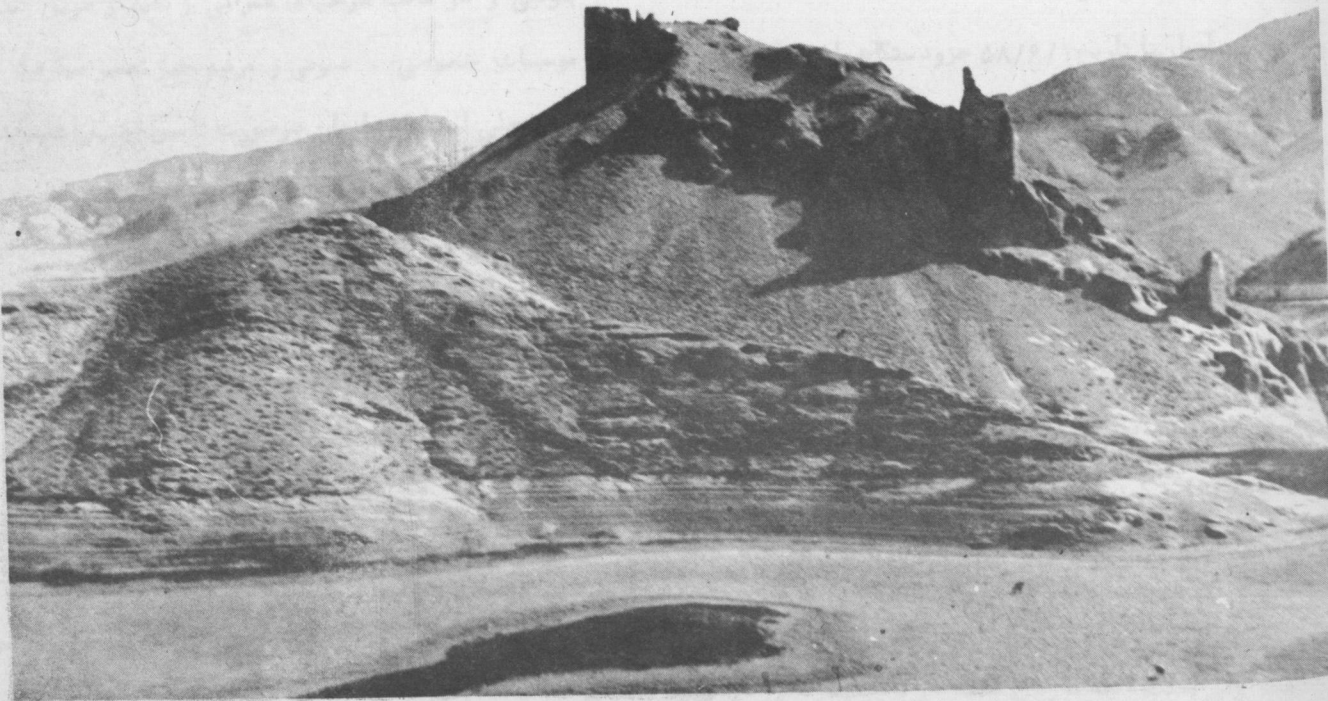
که با ارتفاع زیادی از یک فرسنگ پیداست با عظمت مخصوص  
پا بر جا و جالب نظر است .

روبروی این بنا ، بنای دیگری که بنظر میرسد دیده بانی  
بوده برقرار است و اطرافشان چندین ساختمان پا بر جا همچنین  
در حدود نه بنای مخروبه دیده میشود و بعلاوه یک بقعه و  
مسجد که اطراف آن چندین حجره و دارای سه گنبد دست  
نخورده و دودرب قیمتی و یک سنگ مرمر حجاری شده بهادار  
است موجود است که از بناهای قدیمی میباشد . و اطراف  
کلیه این بناها حصار بزرگی کشیده شده از سنگ خارا که  
قسمتهائی از آن که حصار شهر را تشکیل میدهد باقی و پا  
بر جا است بعلاوه تپه های مخروبه های که در وسط این محیط قرار

دارد حاکی از این است که بناهای عمارات آباد و الان به صورت  
تپه های خاکی در آمده اند . این بود مقداری از شرح تاریخ  
جغرافیای این دژ خرابه که ما مطلع شدیم و در این کتاب  
بمناسب ذکر کردیم .

یاقوت حموی در معجم البلدان درباره قلعه شمیران  
گوید : " خداوند الموت ویرانش ساخت " از این جا خوبی  
معلوم میشود که منقرض شدن کنگریان دیالمه که سلطنت دژ  
شمیران و آن نواحی را داشتند و پایتخت آنان همین قلعه  
شمیران بود بدست اسمعیلیان صورت گرفته و آخرین سلطان  
آنان مسافر کنگری بود که ابن اثیر از وی اسمی برده است گوید  
در سنه ۴۵۴ هجری طغرل بیگ سلجوقی به " قلعه طارم " از

تصویر قلعه از فاصله ۳۰۰ متری به جبهه غربی





"خاک دیلم" رفت و بر مسافر پادشاه آنجا صد هزار دینار و پنجاه هزار جامه قرار داده که هر ساله بپردازد بنابراین سلطنت کنگریان که آخر شخص آنها مسافر کنگری بوده بدست خداوندالموتیان که اسماعیلیان باشد منقرض شدند و این معنی برحسب ظاهر درست است زیرا در سنه ۴۵۴ طغرل بیگ با مسافر کنگری پادشاه طارم و قلعه شمیران مصالحه کرد و قرارداد نمود و در سنه ۴۸۳ تاسیس دولت الموتیان شده است و فاصله بین این دو تاریخ بیست و نه سال است و ممکن است که در ظرف این ۲۹ سال و یا بیشتر کنگریان استقراری در طارم و دیلمان و دژ شمیران داشته اند که بعداً "الموتیان و اسماعیلیان" آنرا منقرض کرده باشند بهر حال تاریخ بنای دژ شمیران یا شمیران و یا شمع ایران و یا قلعه طارم بر ما نامعلوم است که بانی اول آن چه کس بوده و لکن آنچه آشکار است که در عصر کنگریان و دیلمیان این دژ پایتخت آنان بوده است و کنگریان از سنه ۳۱۰ هـ تا سنه ۴۸۳ بوده اند ، در سنه ۴۵۳ هـ طغرل بیگ سلجوقی به طارم و قلعه شمیران رفت و از پادشاه آنجا

که موسوم به مسافر بود معاهده گرفت و قرار داد که هر سالی ۱۰۰۰۰۰ دینار و ۵۰۰۰۰۰ جامه بپردازد این قلعه در عصر الموتیان که از سنه ۴۸۳ هجری تا سنه ۶۵۰ یا ۶۴۰ حکومت داشتند بدست آنان بوده و یاقوت حموی گوید قلعه شمیران را الموتیان خراب کردند قلعه شمیران در عصر سلطانعلی کیابن امیرکیالاهیجانی معمور بوده و بدست گماشتگانش فتح گردید در این وقت رئیس قلعه که "قباد" نام داشت از "سیدعلی کیا" امان طلبید و قلعه را تسلیم داد در این وقت سیدعلی کیا تاج الدین محمد برفجانی را بریاست آن قلعه تعیین نمود و هفت سال مملکت طارم و این قلعه در دست گماشتگان و نوکران سیدعلی کیا مذکور بوده است . این موضوع قبل از سال ۷۸۷ هـ یا ۷۹۹ بوده است پس معلوم میشود که این قلعه چندین مرتبه خراب و تعمیر شده و الان فقط آثاری از آن باقی است و این قلعه نامی ، عالمی بوده و تقریباً "هزار سال پیش است که هنوز آثاری از آن باقی است .